

الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی در کلان‌شهرها^۱

علی احتشامی^۲؛ بهرام بیات^۳؛ سید کاظم سام‌دلیری^۴ و ناصر شعبانی^۵

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: اهمیت بحران و مباحث مرتبط با آن با وقوع جریان‌های پیش‌بینی نشده بحران‌زا خود را نشان داده است. سازمان‌های فاقد طرح‌های مدیریت بحران در مواجهه با بحران‌ها بیش از دو و نیم برابر سازمان‌های دارای چنین طرح‌هایی زمان حیات‌بخش مقارن با وقوع بحران را صرف کرده‌اند. بنابراین پیش‌بینی بحران قبل از وقوع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا می‌تواند منجر به پیشگیری از بحران شود. این پژوهش با هدف تدوین الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی در کلان‌شهرها انجام شد.

روش: برای انجام پژوهش حاضر، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها با بررسی نظام‌مند مبانی نظری و دریافت نظر خبرگان احصا و با استفاده از سنجه‌های روایی محتوا و شاخص تناسب، اعتبارسنجی و مدل تأیید عملی سه‌سطحی با ۴ بعد، ۱۴ مؤلفه و ۶۰ شاخص ترسیم شد.

یافته‌ها و نتایج: برای هر چهار بعد (فرهنگی، اجتماعی - کالبدی - اقتصادی - کنترل و نظارت) تمامی شاخص‌ها دارای بار عاملی بزرگتر از ۰/۵ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار ($1/96 <$) بوده‌اند. بارهای عاملی مرتبه دوم برای همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار و تأیید شده‌اند. برای تمامی متغیرهای پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی از ۰/۷ بزرگتر شده‌اند که نشان از پایایی ابزار اندازه‌گیری است. با توجه به مقدار بار عاملی، بعد فرهنگی - اجتماعی بیشترین سهم را در اندازه‌گیری مدل داشته است، بعد کالبدی (فضای شهری) رده دوم، بعد اقتصادی و کنترل و نظارت به ترتیب رده‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص داده‌اند.

کلیدواژه‌ها

بحران، مدیریت بحران، نقاط بحرانی، آسیب‌های اجتماعی، مدیریت شهری، کلان‌شهر

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری تخصصی رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی با عنوان «الگوی ارزیابی و پیش‌بینی بحران در کلان‌شهرها ناشی از نقاط بحرانی و آسیب‌های اجتماعی و تنظیم نظام مدیریت و کنترل آن» است.

۲- دانشجوی دکتری تخصصی رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی و عضو پیوسته انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران

۳- دانشیار گروه امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی. (نویسنده مسئول). رایانامه: bahram.bayat@gmail.com

۴- استادیار گروه امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی

۵- استادیار گروه علوم دفاعی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

ریشه بحران‌ها متفاوت است. در جوامع بشری ممکن است بحران ریشه طبیعی داشته باشد یا انسان‌ساز. یکی از ریشه‌های انسان‌ساز بحران، می‌تواند آسیب‌های اجتماعی باشد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) آسیب‌های اجتماعی را یکی از بیماری‌هایی می‌داند که اگر درمان نشود علاجش دشوارتر می‌شود (نشریه خط حزب‌الله، ۱۳۹۵/۲/۳۰).

نقاط بحرانی شهری یکی از اولویت‌های پنج‌گانه آسیب‌های اجتماعی از نظر مقام معظم رهبری است. ویژگی‌های اجتماعی فضاها به‌ویژه فضاهای شهری از سوی جامعه‌شناسان و روان‌شناسان بررسی و به‌طور گسترده‌ای در آمریکا در مکتب شیکاگو توسعه یافته‌اند. فضاهای بی‌دفاع شهری توصیف شده در مکتب شیکاگو بخشی از نقاط بحرانی در شهرها هستند. نقاط بحرانی شهری به‌ویژه در کلان‌شهرها، می‌توانند منشأ ایجاد بحران باشند. عواملی همچون تداعی بحران توسط شهروندان از نام برخی نقاط شهری بدنام شده؛ از دست دادن حس تعلق به شهر توسط ساکنان نقاط بدنام شده؛ پنداشت شهروندی درجه ۲ توسط ساکنان منطقه به‌دلیل نبود احساس عدالت شهری؛ افزایش احتمال بروز ناهنجاری‌ها توسط ساکنان منطقه و مانند آن، می‌تواند ریشه این بحران‌خیزی باشد.

با این توصیف، نابسامانی‌ها و بی‌نظمی‌های ناشی از نقاط بحرانی شهری در کلان‌شهرها، می‌تواند عامل زمینه‌ساز برای بحران باشد. چه این نقاط، نقاط آلوده یا نقاط متروکه شهری باشند، چه نقاطی با احساس ناامنی در هر جای شهر و چه نقاطی با تردد زیاد افراد و حساسیت بالا در شهر. شناسایی این عوامل، زمینه‌ساز بحران و پیش‌نگری بحران‌های ناشی از آن از یک طرف و برنامه‌ریزی برای مقابله با بحران‌های احتمالی در قالب نظام مدیریت و کنترل آن باید از دغدغه‌های مسئولان شهری و کشور باشد، زیرا کلان‌شهرها نبض اقتصادی، سیاسی، اجتماعی کشور هستند و ایجاد بحران در

کلان‌شهرها یعنی ایجاد تنش اساسی برای نظام و کشور. بنابراین وجود مدیریت بحران در کلان‌شهرها با جلوگیری از برهم خوردن نظم، آسایش و آرامش جامعه، از بروز فجایع در حوزه منابع جلوگیری می‌کند. دغدغه اصلی در پژوهش حاضر به نحوه پیش‌بینی بحران‌های ناشی از نقاط بحرانی شهری در کلان‌شهرها بر می‌گردد و این پرسش مطرح است که «با چه الگویی می‌توان بحران‌های ناشی از نقاط بحرانی‌زای شهری در کلان‌شهرها را پیش‌بینی کرد؟».

اهمیت بحران و مباحث مرتبط با آن با وقوع جریان‌های پیش‌بینی نشده بحران‌زا مضاعف شده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سازمان‌های فاقد طرح‌های مدیریت بحران در مواجهه با بحران‌ها بیش از دو و نیم برابر سازمان‌های دارای چنین طرح‌هایی زمان صرف کرده‌اند؛ آن هم زمان حیات‌بخش و ارزشمند مقارن با وقوع بحران که هر لحظه آن می‌تواند برای مقابله با بحران، مصرف شده و از پیامدهای جبران‌ناپذیر و غیرقابل برگشت آن جلوگیری کند. بنابراین پیش‌بینی بحران قبل از وقوع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به این که همگان بر اصل تقدم «پیشگیری بر درمان» اعتقاد دارند، باور به اصل تقدم پیش‌بینی بر پیشگیری سخت نیست. این اصول اهمیت پرداختن به موضوع را با اتکا به دلایل زیر روشن می‌سازند:

- ۱) پیش‌بینی بحران، زمینه را برای پیشگیری از بحران فراهم می‌سازد؛
- ۲) پیش‌بینی بحران، مدیریت بحران را برای اجرای فعالیت‌های مورد نظر آماده می‌سازد؛
- ۳) پیش‌بینی بحران‌خیزی نقاط بحرانی شهری در کلان‌شهرها امکان کنترل و نظارت بر ساخت و سازها را فراهم و از به‌وجود آمدن فضاهای بحرانی تا حد امکان ممانعت می‌کند؛

نگاه به این موضوع، ضرورت پیش‌بینی بحران را آشکار می‌سازد. زیرا فقدان الگوی از پیش تدوین شده برای پیش‌بینی و مدیریت بحران پیامدهایی به همراه دارد که می‌توان به اهم آن به شرح زیر اشاره کرد:

- ۱) صرف زمان بیش از حد برای مدیریت بحران و پیامدهای جبران‌ناپذیر ناشی از آن؛
- ۲) سردرگمی سازمان‌ها و واحدهای درگیر در بحران؛
- ۳) فقدان برنامه تهیه و حفاظت و صیانت از امکانات و تجهیزات مورد نیاز؛
- ۴) نبود امکانات کافی و در دسترس برای مقابله با بحران؛
- ۵) فقدان مدیریت واحد بحران یا تبعیت‌ناپذیری از یک مدیر توسط سازمان‌ها و واحدهای گوناگون مرتبط با بحران.

نتیجه آن که مطالعه بحران‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی برخاسته از نقاط بحرانی و بی‌دفاع شهری راهی برای پیش‌بینی بحران است. بنابراین پژوهش حاضر در صدد آن است که به الگویی برای پیش‌بینی بحران‌های ناشی از نقاط بحرانی در کلان‌شهرها دست یابد.

مبانی نظری

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد، صدیق سروستانی (۱۳۸۵) در پژوهش با عنوان «آسیب‌شناسی اجتماعی نقاط آلوده تهران» با هدف ۱) شناخت مجاورت یا گسست جغرافیایی نقاط آلوده با مناطق همجوار؛ ۲) شناخت نگرش شهروندان منطقه نسبت به منطقه و نوع اقدامات انجام شده؛ ۳) ارائه پیشنهادها و راهکارهای کاهش آسیب‌های اجتماعی نقاط آلوده و ۴) آزمون میزان انطباق‌پذیری و کاربرد نظریه‌های علمی مرتبط در تبیین مسائل اجتماعی ایران، به گونه‌شناسی جمعیتی مناطق مورد نظر از ابعاد روانشناختی و جامعه‌شناختی پرداخته و گونه‌های جمعیتی ساکنان و دستگیرشدگان را باهم تطبیق دادند.

اکبری (۱۳۹۳) در رساله‌ای با عنوان «بررسی نقش نظارت‌های غیر رسمی بر امنیت مناطق بی‌دفاع شهری» با هدف بررسی نقش نظارت‌های غیررسمی بر امنیت مناطق بی‌دفاع شهری در شهرستان بهارستان استان اصفهان، نشان داد که بین نظارت غیررسمی و امنیت اجتماعی در منطقه بی‌دفاع شهری، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین بین نظارت رسمی، وجدان جمعی، پیوند فرد با جامعه، تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی و امنیت اجتماعی ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. بین فقدان کنترل و ترس از طرد شدن و امنیت اجتماعی در مناطق بی‌دفاع شهری رابطه منفی و معنادار وجود دارد. متغیرهای پیوند اجتماعی، فقدان کنترل و ترس از طرد شدن می‌توانند ۲۴ درصد از تغییرات متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند که در این میان سهم پیوند اجتماعی بیشتر است. بین نفوذ هنجارهای اجتماعی و امنیت در محله‌های بی‌دفاع شهری ارتباط معناداری وجود نداشت.

میکائیلی (۱۳۹۵) در رساله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین فضاهای بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری در تهران و تحلیل جامعه‌شناختی آن» با هدف سنجش رابطه بین فضاهای بی‌دفاع با خشونت‌های شهری، نشان می‌دهد میزان بروز خشونت شهری در فضاهای مختلف شهری به یک میزان نیست و رفتارهای خشونت‌آمیز شهروندان تهرانی در فضاهای بی‌دفاع، کمتر از میزان خشونت در فضاهای بی‌دفاع است. آزمون فرضیه رابطه بین فضای شهری و مولفه‌های خشونت شهری نیز نشان داد تفاوت معنی‌داری از نظر وقوع انواع خشونت بین شهروندان به تفکیک فضای بی‌دفاع و با دفاع وجود دارد و برخی فضاهای شهری به سبب ویژگی‌های کالبدی و اجتماعی به صورت بالقوه پذیرای خشونت هستند و بستری مطمئن برای فعالیت‌های امنیت‌زدا و خشونت‌آمیز فراهم می‌کنند. آزمون فرضیه ابعاد مختلف خشونت در تهران نشان می‌دهد که خشونت اجتماعی و خشونت روانی بیشتر از دیگر انواع خشونت در تهران رخ می‌دهد که

موجب ناکارآیی فضاهاى شهري و افول و ضعف مکان‌هاى سوم شده و از ایجاد پیوستگی اجتماعى جلوگیری مى‌کند.

پرسش‌هاى پژوهش: پرسش اصلى پژوهش این است که، «الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی شهري در کلان‌شهرها چیست؟» پرسش‌هاى فرعى نیز به صورت زیر تدوین شد:

- الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی شهري در کلان‌شهرها دارای چه ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هاى است؟
- بین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هاى الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی شهري در کلان‌شهرها چه رابطه‌اى وجود دارد؟
- ساختار الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی شهري در کلان‌شهرها چگونه است؟

پیش‌بینی: پیش‌بینی فعالیتى روشمند و عبارت است از؛ «ارزشیابى یک روند با درجه‌اى از اطمینان (احتمال) در طول یک دوره خاص». یک مبنای مهم در پیش‌بینی بسط دادن تحولات گذشته بر آینده با استفاده از برخى فرض‌هاى خاص برای تداوم یا تغییر روندها است. به بیان دیگر هدف از پیش‌بینی، محاسبه و بیان روشن برخى از رویدادها در شرایط آتی است تا نظام مدیریت سیستم بتواند شرایط آینده را به‌خوبی درک کند و برای مشکلات آینده برنامه‌ریزی کند؛ اما آیا مى‌توان نظریه با کفایتی پدید آورد تا ما را در پیش‌بینی بحران‌ها یاری رساند؟ آیا مى‌توان تمهیداتی را اندیشید که آینده را پیش‌روی ما قرار دهد و با مکنوناتش آشنا سازد؟ آیا مى‌توان میان علوم تجربی و تدبیر بحران نوعی مشابهت برقرار ساخت؟ (ناطقى الهی، ۱۳۷۸).

در این پژوهش، منظور از پیش‌بینی، «توضیح» دقیق حوادث آینده نیست، بلکه تأکید بر نوعی تخمین علمى و مبتنى بر داده‌هاى پرورش یافته است. همان‌گونه که «رى کلاین»

می‌گوید؛ «ارزیابی و تخمین، توصیفی دقیق از این احتمال است که چیز مشخصی در آینده وجود خواهد داشت یا حادث خواهد شد». به بیان دیگر، تخمین زدن به‌طور کلی عبارت است از: تلاش برای ابطال نظریه‌های معارض و رقیب و راه انجام این کار هدایت جمع‌آوری کنندگان اطلاعات برای جمع‌آوری اخبار و شواهدی است که بالقوه گزارش‌های مشاهده‌ای ابطال‌گر به‌شمار می‌آیند.

به‌طور کل سه نگرش درباره آینده وجود دارد: انفعالی، سازگاری و اراده‌گرایی (کلاهچیان، ۱۳۸۲، ص ۷)؛ که در آن نگرش انفعالی محکوم به جبر است، نگرش سازگاری، انسان را ملزم به سازش با پیشامدها می‌داند و تنها در نگرش اراده‌گرایی است که اراده انسان در رخداد آینده مؤثر است. در پژوهش‌های آینده‌پژوهی، با نگرش اراده‌گرایی می‌توان از پیش‌بینی سخن به میان آورد. این پیش‌بینی به‌کارگیری اراده انسانی را معنادار می‌کند و به تبیین روابط در پیاده‌سازی اراده انسان یاری می‌رساند. پیش‌بینی یکی از زیربخش‌های حوزه آینده‌پژوهی است که در آن از روش‌های بسیاری استفاده می‌شود (صدقیانی و ناظمی، ۱۳۸۷، ص ۵۷). این روش‌ها به دو دسته روش‌های کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. در میان روش‌های کمی، تحلیل روند، مهم‌ترین و رایج‌ترین آن‌هاست. تجزیه و تحلیل آماری و تحلیل ماتریس متقاطع نیز شیوه دیگری در حوزه روش‌های کمی است. در حوزه روش‌های کیفی پیش‌بینی نیز روش دلفی که از طریق مشاوره و رایزنی با صاحب‌نظران صورت می‌گیرد، وجود دارد. روش دیگری که در این حوزه به‌کار می‌رود روش سناریونویسی است (کلاهچیان، ۱۳۸۲، ص ۵۴۵).

کلان‌شهر^۱: به قلمرو کالبدی-فضایی و حوزه نفوذ مستقیم یک مادرشهر (منظور یک شهر مرکزی و اصلی است که در پیرامون و چسبیده به خود، کانون‌های فرعی جمعیت

1 . metropolitan area

و فعالیت به وجود آورده است) بزرگ اطلاق می‌شود که با کانون‌های متعدد و مهم جمعیتی و فعالیتی دیگر، همبستگی اقتصادی-اجتماعی و ارتباطات مستقیم دارد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱، ص ۳۶-۳۸).

مناطق بحرانی: مناطق بحرانی در کلان‌شهرها نامی است که برای مناطق مختلفی از شهر در نظر گرفته می‌شود. اما به‌طور کلی دو مفهوم اصلی و اساسی مرتبط با این مناطق وجود دارد؛ یکی از این مفاهیم به فضاهایی از شهر برمی‌گردد که به نام فضاهای بی‌دفاع شناخته می‌شوند و مفهوم دیگر برای مناطق بحرانی، به فضاهای پرتردد و شلوغ شهر اشاره دارد که به لحاظ ساختار فیزیکی یا نوع تردها می‌توانند بحران‌زا باشند یا مطمع اهداف بحران‌زایی قرار گیرند.

فضاهای بدون دفاع یا غیرقابل دفاع شهری فضاهایی است که زمینه را برای کج‌روی در شهر فراهم می‌کند. برخی از ساخت و سازهای بی‌برنامه و خارج از ضوابط موجب شده است، در شهرها فضاهایی ایجاد شود که امکان هرگونه عمل مجرمانه و مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی در آن‌ها مهیا شده و در برابر وقوع بزهکاری و جرم‌خیزی کاملاً بی‌دفاع باشد. در مقابل فضای بی‌دفاع، مفهوم فضای قابل دفاع قرار دارد که یک هدف عمومی دارد و آن تهیه یک طرح کامل متناسب با شرایط محیطی هر محله برای کنترل مناطق اطراف خانه‌هاست. خیابان‌ها و زمین‌های اطراف ساختمان‌ها، سرسراها و کریدورها، هدف عمومی فضاهای قابل دفاع است. برنامه‌های فضاهای قابل دفاع، برنامه‌هایی هستند که می‌توانند مردم را برای محافظت از این مناطق کمک کنند به نحوی که باعث حفظ ارزش‌های عمومی شوند. فضای قابل دفاع، به معنای نرده‌کشی نیست، بلکه به مفهوم تعویض و جایگزینی فضاها و نیز مسئولیت‌هاست. فضای قابل دفاع با این منظر بیش از آنکه به قابلیت فیزیکی دفاعی مناطق شهرها توجه کند بر قابلیت دفاع عمومی و اجتماعی با بهره‌گیری از تمام

ظرفیت‌های رسمی و غیررسمی محله‌های شهری متمرکز شده است. گرچه فضای بی‌دفاع شهری از موضوعات مطرح در برخی از حوزه‌های علوم اجتماعی، در چند دهه اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است، ولی توجه به فرآیند شکل‌گیری جرائم و تأمل و تفکر درباره آن از دیرباز در نظریه‌های جامعه‌شناسی، جایگاه طرح و بررسی داشته است. با تغییرات اجتماعی گسترده و روزافزون در زندگی بشر به‌ویژه در کلان‌شهرها این امر به تدریج به یک «مسئله اجتماعی» تبدیل شده و دغدغه‌ای عمومی در بررسی‌های علمی آن شکل گرفت و امروزه حوزه‌های علمی و پژوهشی چون مطالعات امنیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جرم‌شناسی و مطالعات شهری بخشی از چهارچوب تبیینی و تفسیری خود را به موضوع کلان‌ناهنجاری‌ها (رفتاری، ساختاری و بافتاری) در شهرها اختصاص داده‌اند. این فضاها به کسی تعلق ندارند، کسی از آن‌ها حفاظت و مراقبت نمی‌کند، از دید عموم پنهان هستند و به همین دلیل فضاهایی دنج و مطمئن برای رفتارهای انحرافی محسوب می‌شوند (بیات، ۱۳۹۷، ص ۳۶). آسیب‌های اجتماعی در نقاطی رخ می‌دهند که زمینه‌های لازم برای تداوم را دارا باشند. پژوهش‌های اسکار نیومن در رابطه بین طرح مسکن و رفتار جنایی یا ضد اجتماعی نشان می‌دهد که محیط‌های کوچک و فضاهای نیمه عمومی که برای گروه‌های کوچک ساکنان قابل رؤیت باشد، دارای میزان کمتری از جرم و بزهکاری، سرقت و نزاع‌های شخصی است، چنین فضاهایی از خود نگهبانی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷).

بعد دوم مناطق بحرانی، همان‌گونه که گفته شد به فضاهای پرتردد و شلوغ شهری اشاره دارد. برخی از این فضاها به دلیل بافت ساختاری و فیزیکی به نحوی هستند که در معرض آسیب قرار دارند. آسیب ناشی از این دلیل، می‌تواند زمینه‌ساز بحران باشد. ساختمان تجاری پلاسکو در تهران یکی از این فضاها بود که در صورتی که کنترل‌های

لازم به عمل نمی‌آمد، می‌توانست از مصادیق ایجاد بحران قرار گیرد. فضاهاى مشابه پلاسکو و اتفاقات مشابه، شرایط کنترلی بعدی را دشوارتر می‌سازد. مکان‌های پرتردد شهری که در کلان‌شهرها به دلیل بافت ویژه آن‌ها کم‌تعداد هم نیستند ممکن است مطمع افراد و گروه‌های بحران‌ساز قرار گیرند. مثلاً یک حمله تروریستی به یکی از مناطق موصوف زمینۀ ایجاد بحران در کلان‌شهر را مهیا می‌سازد.

نقطه آلوده^۱: نقطه آلوده یک اصطلاح اجرایی است که بیشتر توسط مدیران اجرایی به کار گرفته شده است. این اصطلاح به مناطقی از شهر اطلاق می‌شود که از نرخ بالای جرائم برخوردار باشد. در سایر کشورها نیز از نظر اجرایی اصطلاحاتی مانند «گود سیاه^۲» یا «موقعیت سیاه^۳» و «گتو^۴» نیز استفاده می‌شود. اما اصطلاح علمی استفاده شده برای این منظور، «منطقه کج‌رو^۵» و همچنین «خرده فرهنگ کج‌رو^۶» است که به فرآیند یا نتیجه حاصل از ضعف، گسست یا اضمحلال یا انحلال سازمان‌های اجتماعی اطلاق می‌شود. نقطه آلوده، ساخت اجتماعی کاذبی است که از همه صور رفتارهای منحرف تشکیل یافته است. مکانی است که در نتیجه فاصله و تفاوت میان آرزوهایی که گروهی به اعضایش آموخته است با راه‌هایی که نظام اجتماعی برای تحقق این آرزوها به رسمیت می‌شناسد، به وجود آمده است. مجموعه ایجاد انحراف و بی‌هنجاری ناشی از یک نقطه آلوده آسیب یا مشکل اجتماعی خاصی را در جامعه ایجاد می‌کند.

مجموعه آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی ناگوار نقطه آلوده دارای سه ویژگی خاص است:

1. Contamination
2. Black pit
3. Black-Localty
4. ghetto
5. deliquency area
6. Delinguenant subculture

۱- آسیب‌ها یا مشکل اجتماعی خاص نقطه آلوده، قابلیت گسترده‌گی سریع را به‌عنوان عامل پویایی درونی دارد؛

۲- آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی نقطه آلوده، تمامی ارزش‌ها را به‌شدت مورد تهدید قرار می‌دهد؛

۳- آسیب‌ها یا مشکلات اجتماعی نقطه آلوده، لزوم مقابله^۱ عینی و ذهنی را چه از نظر تأمین منابع و هزینه‌های حداقل رفاه اجتماعی و چه از نظر رفع متوسط نیازها و فراهم آوردن پوشش‌های خدماتی و چه از نظر ایجاد انگیزه‌ها و هدف‌های حقیقی، به‌طور حاد و سریع و گونه‌ای طولانی به‌صورت عملیاتی، لازم دارد (جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۵، ص ۶ به نقل از هودکینسون و استوارت^۲، ۱۹۹۹).

پردازش واژه نقطه آلوده: نقطه آلوده گاه مترداف بحران و فاجعه به‌کار گرفته می‌شود. نقطه آلوده از رویکردهای مختلف قابل بررسی است که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف) مفهوم بحران در نقطه آلوده، خود به‌وجود آورنده واژه‌هایی مانند اضطراب، حالت خطرآفرینی و وضعیت پُر استرس است که نیاز به مرحله حساس تصمیم‌گیری و تعیین‌کنندگی دارد؛ بحران در هر نقطه آلوده به‌صورت به‌هم ریختن شرایط پایدار جامعه خود را نشان می‌دهد (جهاد دانشگاهی، ص ۷ به نقل از هودکینسون و استوارت، ۱۹۹۹).

ب) مفهوم فاجعه در نقطه آلوده یا ناشی از واکنش‌های عاطفی اعضای نقطه آلوده (مانند شوک، ترس، وحشت، درماندگی) یا ناشی از واکنش‌های شناختی اعضای نقطه آلوده (مانند گیجی، سردرگمی، اختلال تمرکز)، یا ناشی از واکنش‌های جسمی اعضای نقطه آلوده (مانند دردهای جسمی، اختلال خواب و اشتها)، ناشی از

1. Coping

2. E-Hodkinson & Michel Stewart

واکنش‌های ارتباطی بین انسانی اعضای نقطه آلوده (مانند نبود اطمینان، گوشه‌گیری و انزوای طلبی) است. به همراه واکنش‌های عاطفی، هیجانی^۱، شناختی^۲، جسمی^۳ و روابط بین فردی^۴، واکنش‌های رفتاری^۵ خاص نقطه آلوده نیز وجود دارد. اعضاء نقطه آلوده پیوسته در معرض بروز واکنش‌های فردی و گروهی به صورت عنان گسیخته در مقابل همه جریان‌های عادی و حوادث قطع‌کننده و وقفه‌ای قرار دارند که هراس‌های^۶ ناشی از آن به صورت رفتارهای کاملاً آشفته با انگیزه‌های آتی و با کنترل فکری اندک، به فرد دیگر یا دیگران انتقال می‌یابد. فاجعه به صورت حادثه، مصیبت و موقعیت‌های فشار روانی فراگیر شدید برای کل جامعه مطرح است، تولد انواع فاجعه‌ها در نقطه آلوده به دلیل فشارزایی خاصی که بر افراد و جامعه دارد، کاملاً با اهمیت هستند. نقطه آلوده، انواع فاجعه‌ها را با ویژگی‌های سرعت زیاد، به‌طور ناگهانی، ضربتی، تخریبی و به شکل جانی، مالی و روانی به جامعه هدایت می‌کند.

نقطه آلوده در نظریه‌های جدید: در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی می‌توان شاخص‌های متعددی را برای نقاط آلوده شهری پیدا کرد. برخی از اهم این نظریه‌ها و شاخص‌ها در جدول ۱ آمده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Emotional
2. Cognitive
3. Physical
4. Interpersonal
5. Behavioral
6. Panics

جدول ۱.۱. اهم نظریه‌ها دربارهٔ نقاط آلوده

| شاخص | | نظریه | |
|--|-----|-------------------------------------|---|
| فقدان رفاه اجتماعی ناشی از نبود قدرت در بخش خصوصی | ۱-۱ | پارادایم حداقل رفاه | ۱ |
| فقدان امکانات دولتی | ۱-۲ | پارادایم نهادگرایی | ۲ |
| نبود اصول اساسی آزادی فردی و اقتصاد مختلط | ۲-۲ | | |
| سکون نظام اقتصادی | ۱-۳ | پارادایم ساختارگرایی | ۳ |
| فقدان اصول برابری، آزادی، اصالت جمع، مشارکت دموکراتیک و اصالت انسان | ۲-۳ | | |
| پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، فردی و بوم‌شناختی ناشی از نبود دسترسی به اقتصاد رسمی | ۱-۴ | مدل ویلسون: اثرات نابسامانی اجتماعی | ۴ |
| در معرض موازنه بین سازمان‌بندی اجتماعی و نابسامانی اجتماعی، قرار نگرفتن نوجوانان شهری نواحی کم‌درآمد یا جوانان گنوها | ۲-۴ | | |
| درصد رسمی فقر با تعریف محله فقیر و محله به‌شدت فقیر | ۱-۵ | مدل کاساردا | ۵ |
| سطوح عنان گسیخته و بالای فقر، بیکاری، خانوارهای زن سرپرست و دریافت‌کنندگان رفاه، میزان بالای نوجوانان ترک تحصیل کرده | ۲-۵ | | |
| مرکزی از ساختمان‌های معیوب و تورفتگی‌هایی که الگوهای آسیب‌شناسی را تقویت می‌کند | ۳-۵ | | |
| میزان فقر ناحیه‌ای: «درصدی از جمعیت کل یک ناحیه مادرشهری است که طبق سرشماری در مناطق با فقر بالا سکونت دارند» | ۱-۶ | جارگووسکی | ۶ |
| تمرکز فقر: «درصد جمعیت فقیر یک ناحیه مادرشهری که طبق سرشماری در نواحی فقر بالا اسکان دارند» | ۲-۶ | | |
| بین انزوای اجتماعی و رشد فعالیت‌های غیرقانونی ناشی از فرهنگ خیابانی ^۱ ارتباط محکمی وجود دارد. | ۱-۷ | جانل دانس و همکاران | ۷ |
| نابسامانی اجتماعی پدیده‌ای نسبی است نه مطلق. | ۲-۷ | | |

۱- فرهنگ خیابانی، به‌طور کلی شامل قاچاق مواد مخدر و فعالیت گروه‌های خشونت‌طلب است.

| شاخص | | نظریه | |
|------|--|-------------|---|
| ۳-۷ | نابسامانی اجتماعی برگرفته از شهرهای مرکزی بزرگ است که تجربیات جوانان مناطق فقیرتر را تشدید می‌کند. | | |
| ۴-۷ | بعضی از جوانان که به طبقه دارای اشتغال ثابت تعلق دارند، به دلیل کسب شهرت و احترام در بین همسالان خود از طریق وابستگی به موقعیت گروه در فعالیت‌های غیرقانونی فرهنگ خیابانی درگیر می‌شوند. | | |
| ۱-۸ | شهر نه فقط یک پدیده جغرافیایی، بلکه یک پدیده فضایی است که متغیرهای متعدد درون آن دارای یکپارچگی ارگانیک هستند و در فرآیند مداوم «هجوم، چیرگی و جانشینی» قرار دارند. | کلیفورد شاو | ۸ |
| ۲-۸ | بزهکاران حاشیه‌نشین از نظر ضریب هوشی با سایر بزهکاران تفاوت معناداری ندارند. | | |
| ۳-۸ | در مناطق حاشیه‌ای، سنت‌های عرفی، نهادهای محله‌ای و افکار عمومی که محله‌ها از طریق آن‌ها رفتار افراد را کنترل می‌کنند، به‌طور عمده از هم فروپاشیده‌اند. | | |
| ۴-۸ | مناطق حاشیه‌ای و گتوها، فرصت‌های متعددی را برای فعالیت‌های مجرمان در اختیار آنان قرار می‌دهند. | | |
| ۵-۸ | فعالیت‌های مجرمانه از همان ابتدا از طریق بازی‌های کودکان در زندگی ساکنان مناطق حاشیه‌ای و گتوها نمایان می‌شود. | | |

منشأ نقطه آلوده از منظر نظریه‌های مختلف: نظریه‌های مختلف در خصوص منشأ نقاط

آلوده مطلب ارائه داده‌اند. این مطالب را می‌توان در جدول ۲ دید.

جدول ۲. منشأ نقاط آلوده از منظر پارادایم‌های مختلف

| پارادایم | نحوه استدلال این پارادایم در ایجاد نقطه آلوده |
|-------------------------------|---|
| دولت سازنده یا مدل حداقل رفاه | ۱- اصول آزادی فردی + برابری حقوقی افراد + اقتصاد آزاد |
| | ۲- منشأ مشکلات گودها |
| | ۳- موضع این سیاست از نظر نقد |
| | ۴- الگوی مطلوب رفاه برای سیاست گودها |

| پارادایم | نحوه استدلال این پارادایم در ایجاد نقطه آلوده |
|--------------------------------|---|
| دولت تأمین یا مدل نهادینه رفاه | ۱- اصول آزادی فردی + برابری حقوقی افراد + اقتصاد آزاد |
| | ۲- منشاء مشکلات گودها |
| | ۳- نقد دیدمان نهادینه |
| | ۴- الگوی مطلوب رفاه |
| دولت رفاه یا مدل ساختاری رفاه | ۱- اصول برابری، اصالت جمع، مشارکت دموکراتیک + انسان‌گرایی + نقد اقتصاد آزاد |
| | ۲- منشاء مشکلات نقطه آلوده |
| | ۳- نقد پارادایم ساختاری |
| | ۴- الگوی مطلوب رفاه برای نقطه آلوده |

در جمع‌بندی نظریه‌های مرتبط با منشأ نقاط آلوده باید توجه داشت که در خصوص تأمین رفاه اجتماعی برای نقطه آلوده، به معنای انجام فعالیت‌هایی برای رفع نیازهای افراد این نقاط و حل مشکلات اجتماعی، اختلاف نظرهایی در زمینه منابع و خدمات وجود دارد؛ این اختلاف نظرها را با اتکا به پارادایم‌های مختلف می‌توان تبیین کرد.

۱- در پارادایم دولت سازنده یا مدل حداقلی رفاه، طراحی سیاست‌ها روی افزونی آزادی فردی، برابری حقوقی افراد (نه برابری اقتصادی) و اقتصاد آزاد بنا شده است. مشکلات اجتماعی در محوطه نقطه آلوده به ناچار به دلیل انحراف‌های فردی و نبود امکان استفاده فرد از امکانات اقتصاد آزاد به وجود می‌آیند و دولت، حداقل مداخله را در ارائه خدمات رفاهی در گودها باید بر عهده بگیرد. بنابراین وجود هر گود، در مقابل نبود آزادی‌های فردی، حقوقی و اقتصاد آزاد است.

۲- در پارادایم دولت تأمین یا مدل نهادینه رفاه که بر آزادی فرد، اومانیزم پراگماتیسمی غیرآرمانی و اقتصاد مختلط تکیه دارد، مشکلات اجتماعی در محوطه نقطه آلوده هم در عوامل فردی و خانوادگی و هم در عوارض اجتناب‌ناپذیر اقتصاد آزاد، ریشه دارند. بنابراین دولت باید در کنار اقتصاد آزاد به ارائه سریع و پیوسته

خدمات رفاهی اما به شکل محدود و موقت پردازد تا مشکلات ناشی از اقتصاد آزاد که در ایجاد محوطه نقطه آلوده نقش کلیدی دارد، و از نظر ماهیت فنی و اجرائی و نه بنیادی هستند، برطرف شود.

۳- در پارادایم دولت رفاه که به شکل مدل ساختاری رفاه مطرح است، برابری پیش شرط آزادی است و بر انسان‌گرایی به شکل آرمانی نه عمل‌گرایانه، اصالت جمع و مشارکت دموکراتیک تأکید دارد. مشکلات اجتماعی گودها، طبق این پارادایم بر اثر تعارض گروه‌های اجتماعی بزرگ بر سر قدرت، ثروت و منزلت به وجود می‌آیند، نه بر اثر انحراف‌های فردی یا عوارض فنی اقتصاد آزاد. از این رو اهداف سیاست دولت رفاه در مورد نقطه آلوده باید به تأمین پوشش همگانی جامعه، خدمات رایگان، نظارت مداوم بر تولید و توزیع منابع (و نه مالیکت آنها)، جلب مشارکت همه خدمت‌گیرندگان در توانمندسازی رفاه، پیشگیری از بروز مشکلات اجتماعی گروه‌ها و ارتقای سلامت اجتماعی نه فقط حل مشکلات مورد تأیید بلاشرط این پارادایم قرار دارد.

بنابراین در مورد سیاست‌گذاری در ایجاد و اصلاح گودها، سه مدل حداقلی، نهادینه و ساختاری، هم اکنون در سراسر جهان مورد توجه است و کاربرد هر سه مدل می‌تواند پارادایم مشترک غالب را مطرح کند؛ اما در حال حاضر هیچ پارادایم واحدی برای بوم ملی ایران و جهان وجود ندارد.

نظریه نقاط جرم‌خیز (محیط‌های مجرمانه): طبق این نظریه که نخست به وسیله «شرمن»، «گارتین» و «برگر» در سال ۱۹۸۹ مطرح شد، برخی محدوده‌ها یا نقاط خاصی از شهر به دلیل وجود برخی عناصر کالبدی، اجتماعی و اقتصادی، فراوانی زیادی از جرم دارد، گره‌های شهری (پایانه‌ها و ایستگاه‌های حمل و نقل شهری)، برخی گذرها و حواشی شهر دارای این ویژگی هستند. فرآیند بررسی و تعیین حدود مکان‌های جرم‌خیز با

استفاده از نرم‌افزارهای اختصاصی و به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی صورت می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۸۰، ص ۸۵). نقاط جرم‌خیز که در همه جای دنیا وجود دارد، محلی برای تجمع گانگسترها، گدایان، ولگردان، باجگیران و مانند آن است.

نظریه نقاط جرم‌خیز روی جرم‌شناسی مکان متمرکز می‌شود که در آن نقاط می‌توان انتظار داشت که با درصد و احتمال بالایی از جرایم مواجه باشند. این مکان‌ها فرصت‌های زیادی را برای وقوع جرم ایجاد می‌کنند. در واقع مکان‌های جرم‌خیز بیانگر یک مکان با میزان بالای جرم است. محدوده این مکان بخشی از شهر، یک محله کوچک یا چند خیابان مجاور یکدیگر و حتی ممکن است یک خانه یا مجتمع مسکونی باشد. به‌طور معمول این مکان‌ها را با تعداد جرایم زیاد در حداقل یک دوره زمانی یکسال قابل پیش‌بینی می‌دانند (منصورحسینی و موسی‌زاده، ۱۳۹۳).

نظریه زیست بوم جرم (اکولوژی اجتماعی): کلاً سه دیدگاه متفاوت فضایی، نافضایی و غیرفضایی در تبیین مسایل اجتماعی وجود دارد. دیدگاه فضایی برای فضا جوهری علی، مستقل، تعیین‌کننده و عینی قایل است و به آن به‌مثابه یک شی می‌نگرد. دیدگاه نافضایی هیچ نقشی برای فضا قایل نیست و آن را یک سازه اجتماعی می‌داند و قطع نظر از امکان‌پذیر یا امکان‌ناپذیر بودن آن، عوامل نافضایی از قبیل عوامل هوشی و ذهنی، روانی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دخیل را مورد بررسی قرار می‌دهد. دیدگاه غیرفضایی نیز با وجود انکار فضای جوهری و مطلق، با نفی مطلق فضا و محو کلی آن در تبیین‌های مختلف موافق نیست و معتقد است که هر چند فضا یک ساخت اجتماعی است اما سازمان فضایی جامعه نیز در خصوص چگونگی عملکرد جامعه نقش ایفا می‌کند و فضا به‌عنوان شیء مستقل وجود ندارد و فرآیندهای فضایی مستقل از فرآیندهای اجتماعی عمل نمی‌کنند (افروغ، ۱۳۹۴، ص ۲۱۸). به هر حال نمی‌توان پدیده بزهکاری در محله‌ها و مناطق مختلف را بدون در نظر گرفتن عامل

فضایی و آرایش فضایی مورد بررسی دقیق قرار دارد و به اقتضای موضوع، باید به آسیب‌شناسی نقاط بزه‌خیز، عامل فضا و تأثیر و تأثرات آن پرداخت؛ زیرا جرم و کج‌روی را نمی‌توان بدون فهم زمینه‌ای که در آن رخ می‌دهد، فهمید.

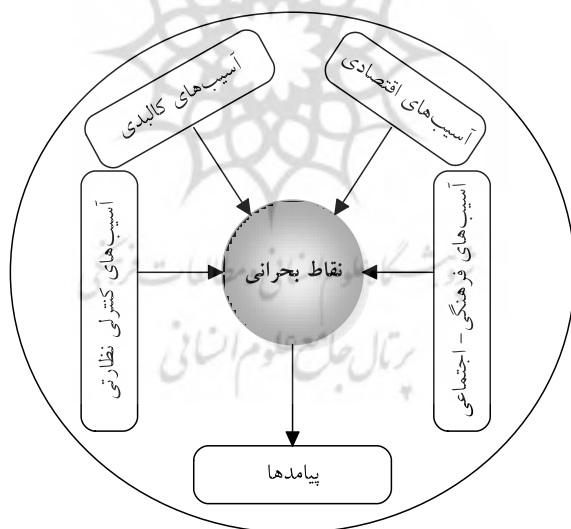
«رابرت پارک» بنیانگذار مکتب شیکاگو، بزهکاری در محله‌های فقیرنشین و گتوها و گودها را به ویژگی‌های منطقه‌ای منتسب کرد نه به افراد ساکن در آنجا و معتقد بود حتی اگر گروه‌های قومی و نژادی دیگری را در این مناطق ساکن کنند، باز هم این مشکلات باقی خواهد ماند (ولد؛ برنارد و اسپینس، ۱۳۸۰، ص ۱۹۶). وی شهر را متغیری مستقل و تبیین‌کننده برخی از تجارب و رفتارهای انسانی می‌دانست. درون شهر رخداد فرآیندهای طبیعی همانند سایر اکولوژی‌ها به رقابت برای منابع کمیاب بر می‌خیزند. برای نمونه درختان در جنگل از طریق کنترل نور و بخش تجاری در شهر از طریق موقعیت مرکزی اعمال سلطه می‌کنند. زیست‌بوم‌شناسان این فرآیند را «هجوم، چیرگی و جانشینی» می‌نامند (افروخ، ۱۳۹۴، ص ۹۶). این فرآیند را در حوزه مناطق بزه‌خیز هم می‌توان دید؛ چه بسا گروهی بزهکار به تدریج در منطقه‌ای ساکن و بعد از چیرگی، زمام منطقه را بر عهده بگیرند.

«استارک» در بررسی رابطه فضا و جرم، پنج پیشنهاد مطرح کرد: ۱) تراکم (شمار افراد در یک ناحیه کوچک)، ۲) فقر (نداشتن پول اندک)، ۳) کاربرد مختلط (وجود اقامتگاه‌ها، صنایع و فروشگاه‌های متراکم در یک مکان)، ۴) نقل مکان و جابجایی به دفعات، ۵) خرابی ساختمان و ریزش آن. این پنج جنبه باعث افزایش فرصت ارتکاب جرایم در گتوها، گودها و محله‌های فقیرنشین می‌شود. انگیزش در ارتکاب جرایم را افزایش می‌دهد و از توانمندی‌های عرف و هنجارها می‌کاهد. در نتیجه افراد مستعد ارتکاب جرم جذب محله‌ها و مناطق بزه‌خیز می‌شوند. این وضعیت به نرخ‌های بالاتر

جرم و تداوم آلودگی منجر می‌شوند و روند فرار غیرمجرمان را در صورت امکان مالی افزایش می‌دهد.

در مجموع در نظریه‌های متأخر این مکتب، جرم در فضا و زمینه‌ای که در آن روی می‌دهد مورد تأمل قرار می‌گیرد. زمینه‌های بی‌واسطه، مناطق و محله‌هایی هستند که افراد در آنجا زندگی می‌کنند و وضعیت‌هایی هستند که سبک زندگی‌شان به دفعات در آن‌ها به کار گرفته می‌شود (ولد؛ برنارد و اسپینس، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸).

مدل پژوهش: با نگرشی به مبانی نظری ارائه شده و توجه به عنوان پژوهش یعنی «الگوی پیش‌بینی بحران ناشی از نقاط بحرانی در کلان‌شهرها»، با هدف این‌که، مدل پژوهش قابلیت تبیین و تفسیر داشته باشد و با تعمیق بیشتری با مبانی نظری و موضوع پژوهش تطبیق داده شود، به مدل مفهومی زیر دست یافته‌ایم.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش

روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر حسب هدف از نوع پژوهش‌های کاربردی- توسعه‌ای، بر حسب دستاورد یا نتیجه پژوهش از نوع کاربردی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات توصیفی- پیمایشی محسوب می‌شود. این پژوهش با نگاهی به افق ده سال آینده در کلان‌شهر تهران با رویکرد کمی انجام شد. برای یک بررسی نظام‌مند، پس از مصاحبه هدفمند و بررسی اسناد، کتب و منابع مختلف علمی، پرسشنامه محقق‌ساخته حاوی ۷۲ گویه با قابلیت پاسخگویی در طیف ۱۱ گزینه‌ای لیکرت، بین ۵۰ نفر از خبرگان دارای یک یا چند تخصص از تخصص‌های مدیریت بحران، مدیریت شهری یا آسیب‌های اجتماعی از بین مدیران شهری در شهرداری تهران، اعضای هیئت علمی دانشگاه در رشته‌های جامعه‌شناسی و مدیریت پیشگیری از جرم، سرکلانترهای تهران و مدیران یگان ویژه ناجا توزیع و ۴۴ پرسشنامه قابل تجزیه و تحلیل جمع‌آوری شد.

پس از محاسبه میانگین پاسخ‌ها و انحراف معیار برای اطمینان از اینکه میانگین پاسخ‌ها به‌طور متوسط با امتیاز ۵ (نمره بهنجار) تفاوت معناداری دارد یا خیر؟، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد. علاوه بر آزمون تی، از دو شاخص روایی محتوا و شاخص تناسب نیز استفاده شد. گویه‌هایی که در قیاس با استانداردهای آماری تطابق نداشتند، حذف و برای تحلیل عاملی سه‌سطحی، مابقی گویه‌ها با به‌کارگیری روش حداقل مربعات جزئی با توجه به کم بودن تعداد پاسخگویان، از نرم‌افزار «اسمارت پی.ال.اس» استفاده شد.

یافته‌ها

با توجه به جدول ۳، ابتدا شاخص‌های توصیفی برای متغیرهای مدل محاسبه شد.

جدول ۳. شاخص‌های توصیفی برای متغیرهای مدل

| شاخص‌های نرمالیتی | | انحراف معیار | میان | میانگین | تعداد | متغیرهای پژوهش |
|-------------------|--------|-----------------|-------|---------|-------|-------------------------------|
| کشیدگی | چولگی | | | | | |
| ۰.۴۵۶ | -۰.۶۳۵ | ۱.۹۴۰ | ۷.۰۰۰ | ۶.۶۴۸ | ۴۴ | فروشدگی بافت |
| -۰.۳۰۸ | ۰.۱۴۸ | ۱.۹۰۹ | ۶.۰۰۰ | ۵.۹۶۸ | ۴۴ | متروکه بودن |
| -۰.۶۵۲ | ۰.۳۴۴ | ۱.۹۱۲ | ۵.۸۵۷ | ۶.۰۳۰ | ۴۴ | بی‌سامانی ظاهری |
| -۰.۷۶۵ | ۰.۲۵۳ | ۲.۰۳۲ | ۵.۵۰۰ | ۵.۷۱۰ | ۴۴ | فقدان امکان مشاهده مستقیم |
| -۰.۷۳۰ | ۰.۱۶۲ | ۲.۰۸۵ | ۶.۰۰۰ | ۶.۱۵۹ | ۴۴ | ضعف در خدمات |
| -۱.۱۰۱ | ۰.۰۸۵ | ۲.۱۷۶ | ۶.۱۶۷ | ۶.۳۰۷ | ۴۴ | تناسب شرایط زیستی برای مجرمان |
| -۰.۸۴۳ | -۰.۱۵۸ | ۱.۷۶۷ | ۷.۰۷۱ | ۶.۹۴۵ | ۴۴ | ساختار جمعیتی |
| -۰.۸۴۳ | -۰.۱۵۸ | ۱.۷۶۷ | ۷.۰۷۱ | ۶.۹۴۵ | ۴۴ | جرم‌خیزی |
| -۱.۱۰۰ | -۰.۰۷۵ | ۱.۹۸۰ | ۶.۳۸۹ | ۶.۴۲۹ | ۴۴ | جلوه نامطلوب محله |
| -۰.۷۱۸ | -۰.۳۱۳ | ۱.۸۶۷ | ۶.۲۵۰ | ۶.۱۲۹ | ۴۴ | ضعف در همکاری محله |
| -۰.۶۵۷ | -۰.۳۱۳ | ۲.۰۵۱ | ۶.۹۳۸ | ۶.۷۷۳ | ۴۴ | کنترل مستقیم و عینی |
| -۰.۴۰۶ | -۰.۲۶۴ | ۲.۱۴۹ | ۶.۵۰۰ | ۶.۴۲۳ | ۴۴ | کنترل ذهنی |
| -۰.۵۳۴ | -۰.۴۹۹ | ۱.۵۶۲ | ۷.۲۱۴ | ۶.۸۶۰ | ۴۴ | اقتصاد محله |
| -۰.۷۲۶ | -۰.۳۸۱ | ۲.۰۲۵ | ۷.۰۰۰ | ۶.۵۵۷ | ۴۴ | کسب و کار |

تجزیه و تحلیل این جدول نشان می‌دهد:

الف) میانگین تمام متغیرهای مدل بالاتر از ۵ (میانگین طیف) بوده است، در نتیجه تمام

مولفه‌های ۴ بعد اصلی مدل در ایجاد نقاط بحرانی تأثیر داشته‌اند.

ب) از آنجایی که میزان چولگی و کشیدگی توزیع نرمال برابر با صفر است، نتایج

نشان می‌دهد که متغیرهای پژوهش را می‌توان نرمال در نظر گرفت.

جدول ۴. مدل تحلیل عاملی سه سطحی

| بار عاملی مرتبه اول (λ) | شاخص‌ها | مؤلفه‌ها؛ بار عاملی مرتبه دوم | ابعاد؛ بار عاملی مرتبه سوم |
|--------------------------------------|--|---|-------------------------------------|
| ۰.۸۶۲ | وجود تعداد زیادی از اماکن ویران | $\lambda=0.729$ فرسودگی بافت؛ | $\lambda=0.873$ کالبدی (فضای شهری)؛ |
| ۰.۸ | ترمیم نکردن فیزیک مناطق | | |
| ۰.۸۱۲ | تعداد زیاد ساختمان‌های رها شده | $\lambda=0.803$ متروکه بودن؛ | |
| ۰.۸۹۹ | تعدد فضاهای بدون متولی یا بدون کاربرد | | |
| ۰.۸۳۴ | وجود تعداد بالایی از مکان‌های خالی از سکنه | | |
| ۰.۸۳ | نابسامانی موجود در برخی از محیط‌های پرتردد | $\lambda=0.866$ بی‌سامان بودن ظاهری؛ | |
| ۰.۸۱۶ | وجود معابر و گذرگاه‌های تنگ و نامناسب | | |
| ۰.۹۱۳ | وجود بافت‌های جدا افتاده از بافت اصلی محله | | |
| ۰.۸۹۵ | شلوغی مجتمع‌های مسکونی | $\lambda=0.688$ فقدان امکان مشاهده مستقیم؛ | |
| ۰.۸۷۶ | فضاهای فاقد روشنایی کافی | | |
| ۰.۷۸۴ | زیرگذرها و زیرپل‌های بدون دوربین | $\lambda=0.767$ ضعف در خدمات؛ | |
| ۰.۸۹۹ | ضعف خدمات فراغتی و تفریحی | | |
| ۰.۸۴۷ | ضعف خدمات شهری | $\lambda=0.727$ تناسب شرایط زیستی برای مجرمان؛ | |
| ۰.۸۶۷ | جاذبه‌های خاص برای مجرمان در منطقه | | |
| ۰.۸۷۴ | سهولت فرار مجرمان از محل | $\lambda=0.868$ ساختار جمعیتی؛ | $\lambda=0.959$ فرهنگی اجتماعی؛ |
| ۰.۹۰۸ | نرخ و تراکم بالایی جمعیت | | |
| ۰.۹۰۳ | تحرك بالا، تو در تو و در هم تنیده جمعیت | | |
| ۰.۸۷۵ | ناهمگونی ترکیب قومی | | |

| ابعاد؛ بار عاملی مرتبه سوم | مؤلفه‌ها؛ بار عاملی مرتبه دوم | شاخص‌ها | بار عاملی مرتبه اول (λ) |
|--|----------------------------------|---|--------------------------------------|
| جرم‌خیزی؛ $\lambda=0.921$ | | بی‌سوادی و کم‌سوادی جمعیت | ۰.۵۶۴ |
| | | رشد خانواده‌های بی‌سرپرست، تک‌سرپرست و بدسرپرست | ۰.۶ |
| | | ضعف کارکردهای نهادهای اجتماعی | ۰.۷۶۶ |
| | | ضعف توان متقاعدسازی هنجارها | ۰.۷۷ |
| | | وجود فرصت‌های جرم | ۰.۷۴۱ |
| | | شیوع جرائم | ۰.۸۵۸ |
| | | ازدیاد مجرمان با سابقه | ۰.۸۲۲ |
| | | از بین رفتن قبح جرم در منطقه | ۰.۷۹۴ |
| | | وجود خرده‌فرهنگ‌های جرم | ۰.۷۸۶ |
| | | شیوع آسیب‌های اجتماعی | ۰.۸۴۹ |
| جلوه نامطلوب محله؛ $\lambda=0.896$ | | افزایش دانش‌آموزان فراری | ۰.۸۳۲ |
| | | خرده‌فرهنگ قانون‌شکنی | ۰.۸۴۳ |
| | | ذهنیت و شهرت بد منطقه | ۰.۸۲۲ |
| | | گمنامی محله | ۰.۷۸۷ |
| | | فقدان گروه‌های مرجع یا معیار در محله | ۰.۶۷۵ |
| ضعف در همکاری محله؛ $\lambda=0.705$ | | ضعف در احساس تعلق به محله | ۰.۷۶۳ |
| | | ضعف یا فقدان مسئولیت‌پذیری در محله | ۰.۶۹۶ |
| | | نبود ارتباط سالم بین همسایگان | ۰.۷۹۷ |
| | | احساس بیگانگی و غریبگی در محله | ۰.۸۱۲ |
| | | شکاف ارتباطی بین اهالی محله و انزوای محلی | ۰.۷۷۵ |

| ابعاد؛ بار عاملی مرتبه سوم | مؤلفه‌ها؛ بار عاملی مرتبه دوم | شاخص‌ها | بار عاملی مرتبه اول (λ) |
|--------------------------------------|--------------------------------------|---|--------------------------------------|
| کنترل و نظارت؛ $\lambda=0.803$ | کنترل سیستم عینی؛ $\lambda=0.955$ | ضعف کنترل رسمی و غیر رسمی | ۰.۷۹۳ |
| | | فقدان پوشش گشت‌های سواره و پیاده پلیس | ۰.۸۴۸ |
| | | ضعف در ساختار پلیس در محله | ۰.۷۴۲ |
| | | ضعف در نمایش اقتدار پلیس | ۰.۷۴۵ |
| | | نظارت ناکافی بر گره‌های شهری (پایانه‌های حمل و نقل و مانند آن) | ۰.۷۵۳ |
| | | ضعف در کنترل الکترونیکی و اپتیکی | ۰.۸۲۲ |
| | | ضعف رؤیت‌پذیری واقعی | ۰.۷۸۵ |
| | | ضعف در نظارت عمومی | ۰.۷۶۱ |
| کنترل ذهنی؛ $\lambda=0.661$ | کنترل ذهنی؛ $\lambda=0.661$ | نبود احساس کنترل در برخی محلات | ۰.۷۲۳ |
| | | ضعف در حضور اجتماعی شهروندان | ۰.۸۶۱ |
| | | ضعف در امر به معروف و نهی از منکر | ۰.۸۰۱ |
| | | ناکارآمدی قوانین و استانداردها | ۰.۷۷۱ |
| اقتصاد محله؛ $\lambda=0.971$ | اقتصاد محله؛ $\lambda=0.971$ | افزایش نرخ بیکاری در منطقه | ۰.۸۱۱ |
| | | امکان دستیابی به درآمدهای نامشروع | ۰.۸۰۶ |
| | | افزایش تعداد ورشکسته‌های اقتصادی در محله | ۰.۸۰۷ |
| | | افزایش تعداد بدهکاران بانکی و شخصی در محله | ۰.۷۷۴ |
| اقتصادی؛ $\lambda=0.859$ | | | |

| ابعاد؛ بار عاملی مرتبه سوم | مؤلفه‌ها؛ بار عاملی مرتبه دوم | شاخص‌ها | بار عاملی مرتبه اول (λ) |
|--------------------------------------|----------------------------------|---|--------------------------------------|
| اقتصاد کسب و کار؛ $\lambda=0.635$ | | وضعیت اقتصادی نامناسب در کالبد شهری منطقه | ۰.۸۵۸ |
| | | اقامت در مسکن‌های خارج از استانداردهای ابتدایی | ۰.۸۰۴ |
| | | فقر مفرط ساکنان محله | ۰.۷۷۵ |
| | | روی‌آوری به شغل‌های کاذب | ۰.۷۳۸ |
| | | نابرابری‌های درآمدی مشهود در جامعه | ۰.۸۲ |
| | | کلاه‌برداری | ۰.۸ |

برای هر چهار بعد (فرهنگی، اجتماعی - کالبدی - اقتصادی - کنترل و نظارت) تمامی شاخص‌ها دارای بار عاملی بزرگتر از $0/5$ و در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار ($t1/96 >$) بوده‌اند. بارهای عاملی مرتبه دوم برای همه مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار و تأیید شده‌اند. برای بررسی پایایی متغیرهای پژوهش از دو شاخص پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شد. پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بنا به گفته «فورنر» و «لارکر» (۱۹۸۱) بایستی $0/7$ یا بالاتر باشد که نشان از کافی بودن همگرایی درونی دارد. برای تمام متغیرهای پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی از $0/7$ بزرگتر بودند.

با توجه به مقدار بار عاملی، بعد فرهنگی - اجتماعی بیشترین سهم را در اندازه‌گیری مدل داشت، بعد کالبدی (فضای شهری) رده دوم، بعد اقتصادی و کنترل و نظارت به ترتیب رده‌های سوم و چهارم را به خود اختصاص دادند.

بحث و نتیجه‌گیری

در دنیای بحران‌خیز امروزی پیش‌بینی بحران برای پیشگیری از آن الزامی است. این پژوهش با نگاهی به بسترهای ایجاد نقاط بحرانی در کلان‌شهرها به‌عنوان کانونی برای ایجاد بحران و آسیب‌های اجتماعی به این نتیجه رسید که بسترهای متعددی می‌تواند این نقاط را ایجاد کند. پرسش‌های پژوهش ناظر بر تدوین الگوی پیش‌بینی است. برای این کار پس از بررسی‌های عمیق و دریافت نظر خبرگان، این بسترها در ۴ بعد، ۱۴ مؤلفه و ۶۰ شاخص تقسیم‌بندی شد. محاسبه‌های آماری نشان می‌دهد که هر کدام از این ابعاد به میزان و طریقی می‌تواند بستر ایجاد نقاط بحرانی باشد. شاخص‌هایی که با استانداردهای سنجش روایی محتوا و شاخص تناسب تطابق داشتند و وارد مدل شدند، در تحلیل عاملی سه‌سطحی نیز مورد تأیید قرار گرفتند.

پژوهش اکبری نشان داد که بین نظارت غیر رسمی و امنیت اجتماعی در منطقه بی‌دفاع شهری، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این پژوهش نیز هم‌راستا با پژوهش اکبری، کنترل و نظارت را در پیشگیری از ایجاد نقاط بحرانی با اهمیت می‌داند. از طرفی میکائیلی نیز برای ایجاد خشونت‌ها در فضای شهری تحت تأثیر فضای شهری اهمیت قائل شده است و رفتارهای خشونت‌آمیز شهروندان تهرانی در فضاهای با دفاع را کمتر از میزان خشونت در فضاهای بی‌دفاع می‌داند. پژوهش حاضر نیز با قائل شدن نقش برای فضای شهری در ایجاد نقاط بحرانی، با تحقیق میکائیلی هم‌راستا است. البته میزان و درجه اهمیت این بعد در این دو پژوهش یکسان در نظر گرفته نشده است که علت آن را می‌توان در تفاوت موجود در ابعاد این دو پژوهش دانست.

نتیجه بررسی‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد، زمینه‌های جرم‌خیزی منطقه و ایجاد جلوه نامطلوب از محله، از مهم‌ترین مؤلفه‌های بعد فرهنگی و اجتماعی ایجاد نقاط بحرانی در کلان‌شهرها محسوب شده است که برای رفع آن نیاز است فرصت‌های ایجاد جرایم در

نقاط مد نظر از بین برود و از تجمع افراد با سابقه کیفی در یک محله جلوگیری شود. از طرفی با برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت و ایجاد نظارت بر عملکرد و آمد و شد دانش‌آموزان، از افزایش آمار فرار دانش‌آموزان جلوگیری شود تا از شیوع آسیب‌های اجتماعی ممانعت به عمل آید. از طرفی یکی از مخاطره‌های بزرگ محلات، گمنامی و بدنامی آن‌هاست. برنامه‌ریزی باید به سمتی سوق یابد که محلاتی که سیر نزولی در این خصوص پیدا می‌کنند، بیشتر مورد توجه مقامات شهری قرار گیرند تا فرصت جرم‌خیزی در آن‌ها کاهش یابد.

نابهنجاری در ساختارهای شهری مرتبط با بعد کالبدی (فضای شهری) در این پژوهش، شامل وجود بافت‌های جدا افتاده از بافت اصلی محله، تعدد فضاهای بدون متولی و بدون کارکرد و ضعف در خدمات فراغتی و تفریحی نیز احساس نبود تعلق ساکنان محله به شهر را به همراه دارد. این احساس باعث دور شدن ساکنان محله از شهر و عناصر شهری می‌شود. در ساخت و ساز شهری باید به این مورد توجه بیشتری شود تا مانع از این نوع افتراق‌ها شد.

یکی دیگر از بسترهای ایجاد نقاط بحرانی، بستر اقتصادی است. این بستر که البته نقش کمتری نسبت به سایر بسترها دارد، ناظر بر نوع خاصی از کسب و کار و درآمد در نقاط آلوده است. نقاطی که گام در مسیر بحرانی بر می‌دارند، بستری برای این نوع اقتصاد فاسد می‌شوند که توسعه این اقتصاد به گسترش بحران و ایجاد بستر برای رفتارهای نابهنجار کمک می‌کند.

افزایش کنترل و نظارت عینی و ذهنی، مشارکت شهروندان در امور اجتماعی را می‌طلبد. هر چند کنترل رسمی و گشت‌های انتظامی پلیس و نیز کنترل‌های اپتیکی و الکترونیکی نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد، اما تا زمانی که شهروندان و اهالی محله در نظارت‌ها مشارکت نکنند، تلاش‌های رسمی و پلیسی نتیجه مطلوب نخواهد داشت.

فهرست منابع

- اکبری، شادی. (۱۳۹۳). بررسی نقش نظارت‌های غیر رسمی بر امنیت مناطق بی‌دفاع شهری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- افروغ، عماد. (۱۳۹۴). فضا و جامعه: فضای شهری و نابرابری اجتماعی (ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن). تهران: نشر علم.
- بیات، بهرام. (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی شهر و فضای بی‌دفاع شهری. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران. (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی نقاط آلوده شهر تهران. (حسین میرزایی، مدیر طرح). تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان تهران.
- صالحی صدقیانی، جمشید و ناظمی، امیر. (۱۳۸۷). چگونگی پیش‌بینی بر اساس مفاهیم آماری. فصلنامه توسعه منابع انسانی و پشتیبانی، شماره اول، صص ۵۵-۷۱.
- صدیق سروسناتی، رحمت‌الله. (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت.
- کلانتری، محسن. (۱۳۸۰). بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهری تهران. رساله دکتری، دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.
- کلاهچیان، محمود. (۱۳۸۲). پیش‌بینی بحران‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۶). جامعه‌شناسی. (منوچهر صبوری، مترجم). تهران: نشر نی.
- منصورحسینی، ندا و موسی‌زاده، بابک. (۱۳۹۳). بررسی مشخصه‌های محیطی موثر بر افزایش امنیت در فضاهای عمومی شهری مناسب زنان بر پایه رویکرد CPTED. کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار.
- مهدی‌زاده، جواد. (۱۳۸۱). مفهوم و گستره منظومه شهری تهران، مجله معماری و شهرسازی ش ۳۶ و ۳۷، صص ۳۷ و ۳۸.

- میکائیلی، جعفر. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین فضاهاى بی‌دفاع شهری با خشونت‌های شهری در تهران و تحلیل جامعه‌شناختی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
- ولد، جرج؛ برنارد، توماس و اسپینس، جفری. (۱۳۸۰). جرم‌شناسی نظری. (علی شجاعی، مترجم). تهران: انتشارات سمت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ